

قهرمانان کودک سینمای ایران

همزمان با روز جهانی کودک آثار مطرح سینمای ایران را که کودکان و نوجوانان حضور پررنگی در آنها داشته‌اند در این گزارش بررسی می‌شود.



همزمان با روز جهانی کودک آثار مطرح سینمای ایران را که کودکان و نوجوانان حضور پررنگی در آنها داشته‌اند در این گزارش بررسی می‌شود.

171#دونده؛ بی بی چلچله؛ رابطه؛ کلید؛ خانه دوست کجاست؛ پرندۀ کوچک خوشبختی؛ شیرک؛ باشو غریبه کوچک؛ 171#گال؛ گلنار؛ نیاز؛ چکمه؛ شرم؛ 171#بادکنک سفید؛ پدر؛ بچه‌های آسمان؛ مربای شیرین؛ 171#ترکش‌های صلح؛ و 171#کودک و فرشته؛ از جمله فیلم‌های سینمایی ایران هستند که کودکان و نوجوانان بازیگر در روند داستان فیلم نقش مهمی دارند و به نوعی قهرمان آن هستند.

به گزارش ایسنا، همزمان با روز جهانی کودک آثار مطرح سینمای ایران را که کودکان و نوجوانان حضور پررنگی در آنها داشته‌اند در این گزارش بررسی می‌شود.

171#دونده؛ به کارگردانی امیر نادری در سال 64 از اولین فیلم‌های سینمایی در بعد از انقلاب اسلامی است که نقش اصلی را یک نوجوان دارد.

این فیلم درباره نوجوانی به نام 171#امیرو؛ است که تنها و بی‌کس در رویای سفری ناشناخته در یک کشتی متروکه کنار بندری در جنوب زندگی می‌کند و روزگار را با اشتغال به کارهای مختلف می‌گذراند. او برای این که بداند آن سوی بندر که کشتی‌ها و هواپیماها می‌روند کجاست باید دانستنی‌هایش را بیشتر کند و به مدرسه شبانه روز می‌رود.

171#بی بی چلچله؛ در سال 65 به کارگردانی کیومرث پوراحمد درباره مجید کودک 9 ساله‌ای است که در یک خانواده روستایی در یکی از مناطق شمال ایران همراه مادر خود در خانه ناپدری‌اش زندگی می‌کند. او در برخورد کودکانه با راننده کامیونی قصد انتقام از آن را می‌گیرد ولی به زودی این احساس تبدیل به یک نوع رابطه پدر و فرزندی می‌شود.

در همان سال ابراهیم فروزش و 171#کلید؛ را می‌سازد که در آن هم کودک چهار ساله‌ای نقش اصلی را دارد که در نبود مادرش برای نگهداری برادر یک ساله‌اش دچار مشکل می‌شود و ماجراهایی پیش می‌آید.

پوران درخشنده هم در فیلم 171#رابطه؛ کارکتر اصلی فیلم را یک نوجوان پانزده ساله ناشنوا قرار داده که در محیط اجتماعی و خانوادگی مورد بی توجهی قرار می‌گیرد که گرفتار بحران روحی شده و حالت انزوا پیدا می‌کند تا اینکه رفته رفته با کمک معلمش به توانایی‌هایش شناخت پیدا می‌کند.

171#خانه دوست کجاست؛ به کارگردانی عباس کیارستمی دیگر فیلم ساخته شده در سال 65 است که داستانش کاملاً توسط پسر بچه‌ای پیش می‌رود و روایت دانش آموزی است که دفتر همکلاس خود را اشتباه برداشته و با خود به خانه آورده است در حالیکه معلم تأکید کرده دانش آموزان باید تکالیف خود را در دفتر مخصوص تکالیف شب انجام دهند. او راه دوری را طی می‌کند تا دفتر را به دوستش برساند.

پوران درخشنده در سال 66 و فیلم 171#پرندۀ کوچک خوشبختی؛ بار دیگر یک نوجوان ناشنوا را کارکتر اصلی فیلمش قرار می‌دهد که معلمه جوانی با تلاش فراوان سعی در اصلاح شخصیت ناسازگار او دارد.

171#شیرک؛ در همان سال به کارگردانی داریوش مهرجویی درباره پسر چهارده ساله‌ای به نام شیرک است که پدرش را در حمله گرازها از دست داده و تصمیم می‌گیرد به جنگ گرازها برود.

171#آب باد خاك؛ امیر نادری در سال 67 داستان پسر بچه‌ای است که زمان خشکسالی و بی آبی مفرط در یکی از مناطق جنوبی ایران به دنبال یافتن پدر و مادرش است.

«#171;باشوغریبه کوچک« ساخته بهرام بیضایی در سال 67 یکی از پررنگ‌ترین شخصیت‌های کودک و نوجوان سینمای ایران را به تصویر کشیده است.

این فیلم درباره باشو کودکی است که خانواده و کاشانه‌اش را در بمباران از دست داده و ناخواسته و گریزان به منطقه‌ای بسیار دور از جنگ می‌رود. اما در این محیط همه چیز برایش غریب و ناشناخته است.

«#171;گال« به کارگردانی ابوالفضل جلیلی در سال 67 درباره حامد نوجوانی است که به خاطر جرائم کم اهمیت به ندامتگاه نوجوانان فرستاده می‌شود. که رفتار مربیان پرورشی به تدریج در او تاثیر گذاشته و او را با محیط هماهنگ می‌سازد.

در همان سال کامبوزیا پرتوی فیلم شاد و کودکانه «#171;گلنار« را می‌سازد درباره دختری روستایی که به دنبال دستمال برجا مانده از مادرش که باد آن را برده است به جنگل می‌رود و گم می‌شود. او در جنگل به کلبه‌ای پناه می‌برد که متعلق به آقا و خانم خرس است که ماجراهای اصلی فیلم در آنجا اتفاق می‌افتد.

غزل شاکری که چندی پیش در فیلم «#171;آینه‌های روبرو« بازی کرد در فیلم «#171;گلنار« نقش دخترک روستایی را بازی کرده است.

«#171;رقص خاک« به کارگردانی ابوالفضل جلیلی در سال 70 روایت پسر نوجوانی به نام ایلیا است که تنها در کوریز خانه‌ای سنتی کار و زندگی می‌کند.

«#171;نیاز« به کارگردانی علیرضا داوود نژاد که بسیاری آن را موفق‌ترین فیلم این کارگردان می‌دانند درباره نوجوانی است که پس از مرگ پدرش تصمیم می‌گیرد سرپرستی خانواده‌اش را برعهده بگیرد. به همین دلیل در چاپخانه‌ای مشغول به کار می‌شود و ...

«#171;بازی بزرگان« ساخته کامبوزیا پرتوی در سال 71 است که داستانش در آغاز جنگ تحمیلی اتفاق می‌افتد و روایت دخترکی است که در میان اجساد یک شهر مرزی که مورد هجوم قرار گرفته‌اند زنده مانده و در هنگام گریز نوزادی را می‌یابد و حال او مادری است که در هنگام جنگ باید نوزادش را نگهداری کند.

«#171;چکمه« ساخته محمد علی طالبی درباره دختر بچه‌ای است که چکمه‌هایی برای او خریده‌اند و برایش زیباترین چیزهای دنیا است. اما در برخورد با یک پسر بچه در می‌یابد که چه چیز می‌تواند زیباتر از چکمه‌های او باشد.

کیومرث پوراحمد در ادامه ساخت مجموعه «#171;قصه‌های مجید« سه داستان آن را با نام‌های «#171;شرم« و «#171;صبح روز بعد« و «#171;نان و شعر« در قالب سه فیلم سینمایی ساخت که نوجوانی بنام مجید شخصیت اصلی این فیلم‌ها است.

در سال 72 کمال تبریزی در فیلم «#171;کودک قهرمان« خانواده‌ای چهار نفره را به تصویر کشید که مورد هجوم عراقی‌ها قرار گرفتند و در نهایت پسر نوجوان آنها وظیفه سرپرستی از خانواده را برعهده می‌گیرد و با کشتن دو سرباز عراقی داستان را پیش می‌برد.

«#171;بادکنک سفید« ساخته جعفر پناهی در سال 73 هم از جمله فیلم‌هایی است که یک کودک نقش محوری در فیلم دارد و روایت راضیه کودکی است که پول خرید ماهی قرمز شب عید را گم می‌کند.

مجید مجیدی در فیلم «#171;پدر« در سال 74 مه‌الله نوجوانی 14 ساله را به تصویر می‌کشد که پس از فوت پدر برای تامین امرارمعاش خود و خانواده‌اش به یکی از شهرهای جنوب کشور سفر می‌کند. او در مراجعت به زادگاهش متوجه تغییراتی اساسی در خانواده‌اش می‌شود.

مجیدی یک سال بعد در فیلم «#171;بچه‌های آسمان« هم شخصیت اصلی فیلم‌ش را نوجوانی به نام علی قرار داد و بعد ها نیز در فیلم «#171;رنگ خدا« نوجوانی نابینا را روایت کرد.

حمید جبلی در اولین تجربه کارگردانی‌اش در سینما در سال 77 «#171;پسر مریم« را درباره رحمان ، موذن نوجوان و خوش صدای روستایی در حوالی استان ارومیه به تصویر کشید.

فیلم #171& ترکش‌های صلح&؛ در سال 79 ساخته علی شاه‌حاتمی داستانش در یک شهر مرزی روایت می‌شود و نوجوانی به نام جمعه که به همراه تعدادی دیگر از اهالی به کار جمع آوری ضایعات جنگی مشغول است.

#171&#؛ مربای شیرین&؛ ساخته مرضیه برومند در سال 80 درباره جلال نوجوان 12 ساله‌ای است که گرفتار باز کردن شیشه مربا می‌شود.

در سال 81 هم رهبر قنبری در فیلم #171&#؛ پرنده باز کوچک&؛ نوجوانی به نام بهروز را به تصویر کشید که با تقلید صدای پرندگان آنها را اطراف خود گرد می‌آورد و در نهایت علی رغم میل باطنی‌اش به خاطر فقر شدید خانواده مجبور می‌شود به کمک شکارچی پرندگان بشتابد.

از فیلم‌های سال‌های اخیر نیز می‌توان به #171&#؛ کودک و فرشته&؛ ساخته مسعود نقاش‌زاده اشاره کرد که پسر و دختر نوجوانی را در زمان اشغال خرمشهر روایت می‌کند.

در عین حال می‌توان به فیلم‌های دیگری چون #171&#؛ بهار&؛ ابوالفضل جلیلی، #171&#؛ ماهی&؛ کامبوزیا پرتوی، #171&#؛ مشق شب&؛ عباس کیارستمی، #171&#؛ کاکلی&؛ فریال بهزاد، #171&#؛ علی و غول جنگل&؛ مسعود رسام و بیژن بیرنگ، #171&#؛ بهترین بابای دنیا&؛ داریوش فرهنگ، #171&#؛ دره شاپرک‌ها&؛ فریال بهزاد، #171&#؛ رقص خاک&؛ ابوالفضل جلیلی، #171&#؛ گربه آوازه خوان&؛ کامبوزیا پرتوی، #171&#؛ مرغابی وحشی&؛ مسعود کرامتی، #171&#؛ مریم و می تیل&؛ فتحعلی اویسی، #171&#؛ تیک تاک&؛ محمد علی طالبی، #171&#؛ شاخ گاو&؛ کیانوش عیاری، #171&#؛ قلعه دنیا&؛ عزیزاله حمیدنژاد، #171&#؛ دان&؛ ابوالفضل جلیلی و #171&#؛ مرد کوچک&؛ ابراهیم فروزش اشاره کرد که با حضور شخصیت‌های کودک و نوجوان روایت می‌شود.